

Theodore W. Schultz

برنده جایزه نوبل ۱۹۷۹

دکتر ابوالفضل شهرآبادی

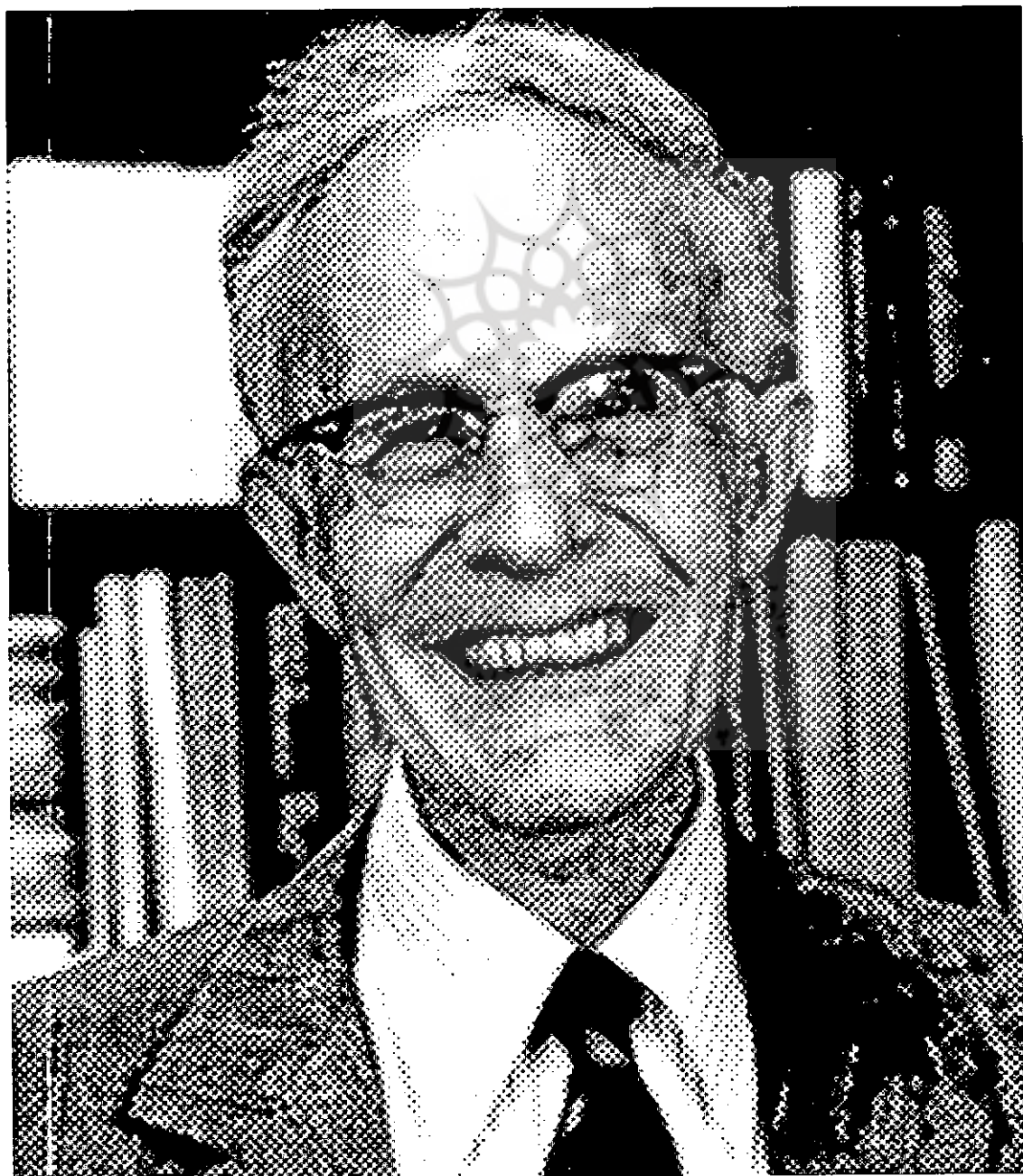
(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد زنجان و مدیر بورس استان قزوین)

[www. Shahrabadi.ir](http://www.Shahrabadi.ir)

ندا بشیری

(کارشناس ارشد مدیریت مالی، ناظر معاملات بورس استان قزوین)

neda.bashiri.googlepages.com



دریافت جایزه به پاس پیشگامی در مطالعات توسعه اقتصادی همراه با گرایش و توجه بیشتر به مشکلات کشورهای در حال توسعه

تئودور شولتز در سال ۱۹۰۲ در خانواده ای آلمانی، ساکن شهر آرلینگتون از ایالت داکوتای آمریکا به دنیا آمد و تحصیلات خود را در همین ایالت ادامه داد، تا آنجا که تئودور جوان به دانشگاه داکوتای جنوبی رفت و در سال ۱۹۲۶ مدرک لیسانس خود را در رشته اقتصاد کشاورزی اخذ کرد. وی سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه ویسکانسین رفته و دو سال بعد از مقطع فوق لیسانس همان رشته فارغ التحصیل شد. سپس در سال ۱۹۳۰ موفق به اخذ دکترا در همین رشته شد که برای او تدریس در دانشگاه دولتی آیوا را به ارمغان آورد. ۱۳ سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۳ او دیگر در دانشگاه شیکاگو تدریس می کرد، جایی که به تربیت اقتصاددانان بزرگی پرداخت.

شولتز در عرصه اقتصاد، بیش از هر چیز به دو علت نامدار است: یکی به دلیل سهم او در معرفی "سرمایه انسانی" که قبل از او

اگرچه وجود داشت ولی تا حدی دور از توجه مانده بود و دیگری "اقتصاد کشاورزی و توسعه". در سال ۱۹۶۰ شولتز ۵۸ ساله به ریاست انجمن اقتصاددانان آمریکا انتخاب شد، او در متن سخنرانی خود که به همین مناسبت تنظیم کرده بود، به "سرمایه گذاری در

” کتاب مهمی که شولتز در اقتصاد آموزش و پرورش تالیف کرد؛ "ارزش اقتصادی آموزش و پرورش" نام دارد که در سال ۱۹۶۳ انتشار یافت. کتاب "سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، نقش آموزش و پرورش و تحقیقات" که شولتز در سال ۱۹۷۱ نوشت، دیگر اثری است او را مجدداً به موضوع سرمایه انسانی متوجه ساخت.

سرمایه انسانی" پرداخت و نظر بسیاری از دست اندر کاران اقتصاد، آموزش و پرورش و مراکز تحقیقاتی را به انسان به عنوان سرمایه ای گران بها و نیازمند توجه جلب کرد. این موضوع باعث شد که عده زیادی او را پدر نظریه سرمایه انسانی به حساب آورند. شولتز معتقد است که آموزش به تنهایی، خود، نوعی سرمایه گذاری

است و سرمایه انسانی جزئی از مفهوم عمومی سرمایه تلقی می شود و آن را در کنار سرمایه مادی و مکمل آن قرار می دهد. او هم چنین معتقد است توانایی های اکتسابی انسان ها، مهمترین منبع رشد بهره وری و توسعه اقتصادی به حساب می آید. شولتز نیروی کار ماهر را "سرمایه دار" تلقی می کند، چراکه دانش و مهارت تبلور یافته در وجود آن انسان، خود نوعی سرمایه است. در واقع پس از تلاش های شولتز، جهان اقتصاد شاهد تفکرهای جدید در این راستا بوده است، مانند این که اگرچه رایجی آموزش مستلزم کاهش تولید کالاها و رایجی خدمات دیگر است، اما آموزش حکم یک سرمایه گذاری در سرمایه انسانی را دارد و یا هر یک دلار سرمایه گذاری در آموزش و پرورش، درآمد ملی را به مراتب بیش از یک دلار سرمایه گذاری در ایجاد جاده ها، سدسازی، کارخانه ها یا دیگر کالاهای سرمایه ای افزایش می دهد. اگرچه اقتصاددانان قدیمی تر مانند آدام اسمیت، ویلن و مارشال نیز بر اهمیت سرمایه انسانی در تولید تأکید داشتند، اما شولتز بار دیگر به سمت این مساله مهم جلب توجه

کرد. او در سال ۱۹۶۱ این نظریه را مطرح ساخت که "کلید توسعه انسانی خود انسان است نه منابع آن". در بحث راجع به سرمایه انسانی او استدلال می کند که با کالای سرمایه ای همیشه به عنوان وسایل تولید مولد برخورد شده است. ولی اندیشه کالای سرمایه ای به طور کلی محدود به عوامل مادی بوده و مهارت های انسانی و سایر توانایی ها که بر اثر سرمایه گذاری در سرمایه انسانی افزایش می یابد، مورد توجه قرار نگرفته است. او می گوید، توانایی های اکتسابی مردم در کوشش های اقتصادی آن ها مفید و موثر است. وسایل و ابزار تولید، محصول دست بشر است و از این نظر نوعی کالای سرمایه ای محسوب می شود که عرضه آن قابل افزایش و انضمام است.

کتاب مهمی که شولتز در اقتصاد آموزش و پرورش تالیف کرد، "ارزش اقتصادی آموزش و پرورش" نام دارد که در سال ۱۹۶۳ انتشار یافت. کتاب "سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، نقش آموزش و پرورش و تحقیقات" که شولتز در سال ۱۹۷۱ نوشت، دیگر اثری است او را مجدداً به موضوع سرمایه انسانی متوجه ساخت. گذشته از مساله سرمایه انسانی، شولتز اقتصاددانی بود که آثار او در اقتصاد کشاورزی و به ویژه تجزیه

گذشته از مساله سرمایه انسانی، شولتز اقتصاددانی بود که آثار او در اقتصاد کشاورزی و به ویژه تجزیه و تحلیل سیاست های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بسیار قابل توجه است و همین آثار نیز جایزه نوبل را برای وی به ارمغان آورد.

و تحلیل سیاست های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بسیار قابل توجه است و همین آثار نیز جایزه نوبل را برای وی به ارمغان آورد. شولتز معتقد است که کشاورزان سنتی «انسان های اقتصادی» منطقی ای هستند و عدم اشتیاق ظاهری آن ها به نوآوری ناشی از نامشخص بودن بازده در کشاورزی است که با فقدان خدمات دولتی به کشاورزان، قیمت های تبعیضی و سیاست های مالیاتی دولت های کشورهای جهان سوم این مشکل یعنی کم بودن

شولتز در عرصه اقتصاد، پیش از هر چیز به دو علت نامدار است: یکی به دلیل سهم او در معرفی "سرمایه انسانی" که قبل از او اگرچه وجود داشت ولی تا حدی دور از توجه مانده بود و دیگری "اقتصاد کشاورزی و توسعه".

بازده شدت می گیرد. وی به علت آشنائی تنگاتنگی که با کشاورزی امریکا، شوروی سابق و کشورهای در حال توسعه داشت بدون واسطه تجربیات عملی قابل توجهی کسب کرده بود. او تعطیلات دانشگاهی خود را در جوامع روستایی و در میان کشاورزان کشورهای توسعه نیافته می گذراند. به علت این ارتباط مستقیم او احترام خاصی به هوشمندی، اعتماد به نفس و کارآمدی کشاورزان این کشورها قائل بود. او در یک دوره ده ساله در زمانی که تدریس در دانشگاه شیکاگو را آغاز کرده بود، چهار کتاب انتقادی در مورد برنامه های کشاورزی آمریکا منتشر کرد، که آخرین آن کتاب درسی مهمی است تحت عنوان "تشکیلات اقتصادی کشاورزی" که در سال ۱۹۵۳ منتشر شد. او سپس گذار از کشاورزی سنتی "را در سال ۱۹۶۶ منتشر کرد که اثر اصلی او در زمینه بخش روستایی و کشاورزی جهان سوم است. جایزه نوبل به وی عمدتاً به واسطه تالیف همین کتاب که حاصل تجربیات گرانقیمت او از اقامت طولانی در میان کشاورزان کشورهای جهان سوم به ویژه هند است، اهدا شد. کتاب «رشد اقتصادی و کشاورزی» که شولتز در سال ۱۹۶۸ تالیف و کتاب "اختلال در انگیزه های کشاورزی" که در سال

های کشاورزی ساخته دست بشر است. تعبیر صحیح مساله رشد حاصل از کشاورزی نیز از نظر او بهبود کیفیت نهاده های مادی مورد استفاده در کشاورزی و توانایی کشاورزان است که اهمیت بیشتری از زمین دارد.

شولتز مدارج افتخاری متعددی از دانشگاه های مختلف در داخل و خارج آمریکا دریافت داشته است. او در سال ۱۹۷۲ موفق به دریافت مدال «فرانسیس ا.والکر» از انجمن اقتصاددانان آمریکا شد و در سال ۱۹۷۶ به اخذ مدال «ارنست المیرست» از انجمن بین المللی اقتصاد کشاورزی نایل آمد.

شولتز در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه شیکاگو بازنشسته شد و ۱۴ سال بعد در سال ۱۹۹۸ در سن ۹۶ سالگی درگذشت. وی دربخشی از اتوبیوگرافی خود به هنگام دریافت جایزه نوبل می گوید: "در سالهای متمادی اقامت در کشورهای در حال توسعه، از سخنرانی و یا عضویت در دانشگاه ها خودداری کردم، برای آموختن آنچه می خواستم بدون واسطه به جوامع روستایی و به میان مزارع کشاورزان می رفتم، زیرا گفتگو با دانشگاهی ها دولتی ها و اشخاص در کشور خودم، امریکا، جذابیت کمتری برای من داشت.

شولتز مدارج افتخاری متعددی از دانشگاه های مختلف در داخل و خارج آمریکا دریافت داشته است. او در سال ۱۹۷۲ موفق به دریافت مدال «فرانسیس اوالکر» از انجمن اقتصاددانان آمریکا شد و در سال ۱۹۷۶ به اخذ مدال «ارنست المیرست» از انجمن بین المللی اقتصاد کشاورزی نایل آمد.

سرمایه چندان مهم نیست؛ بلکه مهم اخذ تصمیمی صحیح در مورد چگونگی روش هایی است که سرمایه گذاری را در این بخش سودآور می کند که این برداشت، کشاورزی را به منزله خاستگاه توسعه اقتصادی مطرح می کند. شولتز عقاید گذشتگان درباره زمین را چندان مهم نمی داند و تاکید می کند که بسیاری از تفاوت های مربوط به حاصل خیزی زمین

اگرچه اقتصاددانان قدیمی تر مانند آدام اسمیت، ویلن و مارشال نیز بر اهمیت سرمایه انسانی در تولید تأکید داشتند، اما شولتز بار دیگر به سمت این مساله مهم جلب توجه کرد. او در سال ۱۹۶۱ این نظریه را مطرح ساخت که "کلید توسعه انسانی خود انسان است نه منابع آن."

۱۹۷۸ ویراستاری کرد، نشان از ادامه توجه او به مسایل اقتصادی ممالک فقیر دارد. موضوعی که در تقریباً همه آثار او به چشم می خورد این است که فقر روستایی در جهان سوم تا حدود زیادی ناشی از برنامه ریزی های صنعتی شدن و سیاست جایگزینی واردات است که الزاماً جامعه روستایی را محکوم به تولید در حد گذران معیشت می کند. فقر کشاورزان تا حد زیادی ناشی از کشاورزی سنتی است.

هر چه کشاورزی به طرف تعادل خاص کشاورزی سنتی پیش می رود، بازده نهایی سرمایه کاهش می یابد و سرانجام زمانی می رسد که نرخ بازده آن قدر کم است که دیگر نه انگیزه و نه منبعی برای پس انداز و در نهایت سرمایه گذاری بیشتر در این نهاده ها وجود نخواهد داشت. او می گوید: «کشاورزی که هم چون نیاکان خویش به تولید می پردازد هر چند هم سخت کوش و پرتلاش باشد، به زحمت می تواند شکم خانواده خویش را سیر کند، ولی کشاورزی که به رموز نوین تولید آگاه باشد، و در محیطی با انگیزه تلاش کند، از خاک طلا می سازد».

شولتز تبدیل کشاورزی سنتی را که وجه مشخصه آن کمی تولید است به یک بخش کاملاً مولد برای سرمایه گذاری در کشاورزی مربوط می داند. چگونگی فراهم آوری این